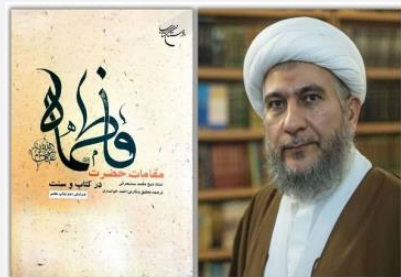


**حلقه پیوند وحی، ولایت و حقیقت انسان کامل**

در روزگاری که نام حضرت زهرا(س) اغلب در میان روایت‌های احساسی و سوگوارانه محدود می‌شود، بازخوانی جایگاه حقیقی او در منابع عقلانی و کلامی اهمیتی دوچندان یافته است.



در روزگاری که نام حضرت زهرا(س) اغلب در میان روایت‌های احساسی و سوگوارانه محدود می‌شود، بازخوانی جایگاه حقیقی او در منابع عقلانی و کلامی اهمیتی دوچندان یافته است. گفت‌وگوی پیش رو با حجت الاسلام احمد خوانساری، مترجم و شارح کتاب «مقامات حضرت فاطمه زهرا(س)»، تلاشی است برای ورود دوباره به جهانی که در آن فاطمه(س) نه یک شخصیت نمادین، بلکه حجت الهی و محور معرفت و حیانی معرفی می‌شود.

اغلب در این روز و روزگار پرداختن به جایگاه، فضایل و ذکر حضرت زهرا(س) گاهی در سطح تفسیرهای عاطفی و سوگوارانه تقلیل پیدا می‌کند، از این رو ضرورت بازگشت به بنیان علمی و کلامی این مقام الهی بیش از پیش احساس می‌شود.

جامعه ایمانی اگر بخواهد از دایره احساسات مذهبی به افق معرفت و حیانی گام بردارد، ناگزیر باید به بازشناسی عقلانی - و حیانی شخصیت صدیقه کبری(س) بپردازد؛ بانویی که قرآن، حدیث و سیره همگی او را در جایگاه حجت الهی می‌نشانند، نه صرفاً نماد پاکی و فداکاری.

در همین راستا، سرویس اندیشه ایکنا با حجت الاسلام احمد خوانساری گفت‌وگویی داشته است؛ عالمی که بیش از دو دهه پژوهش در آثار معرفتی و فلسفی، نویسنده ۱۴ جلد کتاب نیز هست. در میان آثار تألیفی و تحقیقی او به سراغ کتاب «مقامات حضرت فاطمه زهرا(س)» به قلم آیت الله شیخ محمد سند بحرانی - از مراجع نجف - رفتیم که ایشان آن را به فارسی ترجمه و با تعلیقات و شرح‌های تفسیری و فلسفی خود عرضه کرده است.

کتاب «مقامات حضرت فاطمه زهرا(س)» اثر آیت الله شیخ محمد سند بحرانی، با ترجمه و شرح حجت الاسلام احمد خوانساری، اثری است مرجع در مطالعات فاطمی که در ۱۸۴ صفحه بسیاری از مقامات آن حضرت را از لابه لای کلمات بزرگان شیعه و اهل سنت به تصویر کشیده شده است. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانیم:

**ایکنا - در آغاز گفت‌وگو لطفاً از روند شکل‌گیری و تألیف این کتاب بفرمایید؛ این اثر چگونه آغاز و پیش‌رفته است؟**

این کتاب مربوط به ۲۲ سال پیش است، حوالی سال‌های ۱۳۸۲ یا ۱۳۸۳، در محضر استاد بزرگوارم آیت الله شیخ محمد سند که در آن زمان در قم، سلسله مباحثی تحت عنوان مقامات حضرت زهرا(س) آغاز شد. استاد تأکید و توصیه داشتند که در پژوهش‌های خود صرفاً به دنبال فقه و اصول نباشید و به سراغ مباحث معرفتی بروید، چرا که احساس می‌کردند در این زمینه مسائلی وجود دارد که به آنها پرداخته نشده است.

ایشان دو کتاب در خصوص حضرت زهرا(س) دارند؛ یکی مقامات حضرت زهرا(س) و دیگری ولایت‌اصطفایی حضرت زهرا(س). کتاب مقامات، مباحثی بوده است که ایشان مطرح کردند و شاگردان آنها را به زبان عربی نوشته‌اند که وقتی با کتاب برخورد کردم تصمیم به ترجمه آن گرفتم.

در دیداری که با استاد داشتم برخی از مطالب که نیاز به استدلال بیشتری داشت با هماهنگی ایشان تنظیم شد و با مقدمه ایشان در ابتدای کتاب، سرانجام در سال ۱۳۸۴ از انتشارات بوستان کتاب منتشر و با استقبال مواجه شد تا جایی که تا امروز به هفت نوبت چاپ رسیده است.

استاد سند بر این باور بودند که معرفت فاطمی باید مبتنی بر «برهان و نقل معتبر» باشد؛ نه صرف شور عاطفی، لذا در همان سال‌ها افزون بر ترجمه، در حاشیه‌ها مباحث فلسفی و تفسیری را نوشتم تا خواننده فارسی‌زبان با لایه کلامی آن آشنا شود. در پاورقی‌ها، افزوده‌هایی از مباحث عرفانی و عقلی نیز آورده‌ام تا به تکمیل مباحث کمک کرده باشد.

**ایکنا - محور اصلی کتاب بحث حجیت حضرت زهرا(س) بر ائمه و حتی انبیای الهی است، همان تعبیر روایی «نحن حجج الله و فاطمه حجه علینا» این تعبیر چگونه قابل تبیین است و منشأ الهیاتی آن را چگونه می‌توان طرح کرد؟**

در بحث فضیلت ائمه و انبیای الهی، مقاماتی برای آنها ذکر شده است؛ مثل انبیاء که مقام نبوت دارند و یا برخی که مقام رسالت دارند، اما همه آنها یک وجه مشترک دارند که حجت الهی هستند؛ یعنی دلیل و نشانه ای برای شناخت خدا هستند.

در روایت داریم که برای بانوان به جهاتی مقام رسالت و امامت در نظر گرفته نشده است اما کنه و جوهره مقام نبوت و امامت در حجت است. این حجت برای برخی از بانوان برگزیده است که در قرآن کریم برای حضرت مریم(س) ذکر شده است «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» این اشاره به حجت حضرت مریم(س) دارد و همچنین وحی بر ایشان نازل شده است با اینکه ایشان نبی نبوده اند اما جوهره و کنه نبوت که همان حجت الهی است را داشته اند.

در روایت داریم که مقام حضرت زهرا(س) از مقام حضرت مریم(س) نیز بالاتر است و همانطور که بر حضرت مریم(س) فرشته وحی نازل شده بر حضرت صدیقه طاهره(س) بعد از پیامبر اکرم (ص) نیز وحی نازل شده است. این روایت، مرکزی ترین گزاره در فهم حجت فاطمه(س) است. حجت یعنی مرجعیت علمی و وجودی برای دریافت فیض الهی. در روایت داریم که می فرمایند: ما حجج خداییم و فاطمه حجت خدا بر ماست، معنایش این است که علم ما از علم اوست، و علم او از علم الهی سرچشمه می گیرد. این مقام بالاتر از مقام ائمه(ع) است البته به غیر از مقامات و فضایل پیامبر اکرم(ص) و امیرالمومنین(ع) است که هر دو بزرگوار دارای چنین مقامی بودند.

این مقام برای حضرت زهرا(س) یک مقام تشریفاتی نیست بلکه مقامی معنوی است که آثاری ملکوتی دارد. در روایات داریم در مورد علم ائمه(ع) که یکی از واسطه هایی که سبب فزونی علم ائمه می شود وجود حضرت زهرا(س) است. در واقع، فاطمه(س) مظهر علم لدنی است؛ همان علمی که در سوره شعراء آمده بود: «تَزَلَّيَ الرَّوْحُ الْأَمِينُ، عَلَى قَلْبِكِ» و در مرتبه ولایت، به قلب حضرت فاطمه(س) افزوده شده، لذا می گوئیم او واسطه وحی علمی میان پیامبر(ص) و ائمه(ع) است. به تعبیر دقیق تر، ولایت علمی در ذات اوست، نه عاریتی از دیگران.

ایکنا - در برخی از روایات آمده است که نزول جبرئیل بر حضرت زهرا(س) پس از رحلت پیامبر (ص) ادامه داشت و مصحفی از آن پدید آمد. این واقعه چگونه تبیین می شود؟

بله؛ روایت مشهور از کافی (ج ۱، ص ۲۳۹) است که نقل می کند که بعد از وفات رسول خدا(ص)، حضرت زهرا(س) هفتاد و پنج روز در این دنیا زیست و از فراق پدر بسیار اندوهناک بود، جبرئیل نزد حضرت زهرا(س) می آمد و او را در مرگ پدر تسلیت می گفت و از احوال و مقام پیامبر (ص) و از آینده فرزندانش خبر می داد و حضرت علی(ع) نیز آن سخنان را می نوشت و این مصحف فاطمه (س) است.

در روایت دیگری فرمودند که مصحف فاطمه قرآن نیست، چرا که در زبان عرب مصحف را قرآن حساب می کنند اما در این مصحف، هر آنچه که مردم به آن نیاز دارند در آن موجود است، این مصحف نزد ائمه(ع) است. در قرآن کریم کلیات احکام و معارف آمده، این در حالی است که در این مصحف جزئیات احکام، حوادث و امور در آن آمده است. در کتاب کافی شریف آمده است که مصحف حضرت زهرا(س) سه برابر قرآن است و حتی یک کلمه از قرآن در آن نیست و این به معنای تفاوت آن با قرآن است. مراد از این بیان آن است که مکنون و کنه قرآن در مصحف حضرت فاطمه(س) هست و از جنس «علم الهی» است.

یکی از آن چیزهایی که حضرت زهرا(س) به امیر المومنین(ع) سپردند و ایشان هم به امام حسن(ع)، مصحف حضرت زهرا(س) است. امروز آن مصحف نزد حضرت صاحب الزمان(عج) است و با آن علم خاص، امام، واقف بر حقایق عالم است. همین مصحف است که سند واسطه بودن فاطمه(س) در فیض علمی ائمه(ع) را آشکار می کند.

ایکنا - در حدیثی نیز آمده: «لولاک لما خلقت الأفلاك، و لولا علی لما خلقتک، و لولا فاطمه لما خلقتکما». این حدیث در نسبت با ولایت تکوینی چه معنایی دارد؟

این حدیث از حیث معنا، قله ولایت تکوینی را تبیین می کند. طبق آن، حضرت فاطمه(س) سبب صدور هستی است؛ یعنی در نظام خلقت، اراده الهی از مجرای وجود او تحقق یافته است. پس ولایت او تنها تشریعی یا علمی نیست، بلکه تکوینی است؛ علت غایی و واسطه در فیض خلقت. وقتی خداوند می فرماید: «لولاک لما خلقت الأفلاك، و لولا علی لما خلقتک، و لولا فاطمه لما خلقتکما»، به این معناست که عالم بدون حضور آن حقیقت، استعداد وجود نداشت. این همان معنای «حجت بر حجج» است. فاطمه، مدار حلقه وجود و علم است.

ایکنا - در برخی روایات ائمه(ع)، حضرت زهرا(س) را «محدثه» نامیده اند. این عنوان چه تفاوتی با «نبی» دارد؟

نبی، صاحب رسالت تشریعی است؛ محدث، مخاطب وحی بی واسطه یا الهام الهی. حضرت زهرا(س) از مقوله دوم است؛ یعنی «عالمه غیر معلمه». به تعبیر زیارت که می فرماید: «السلام علیک ایتها المحدثة العالمة غیر المعلمة»، این علم همان علم قدسی است که بی واسطه از خداوند به جان او القا شده است. بنابراین، نزول جبرئیل بر او نوعی از وحی نیست که برای شریعت جدید باشد، بلکه برای تعلیم ولایت و غیب است و این مقام، حلقه میان نبوت و امامت به شمار می رود.

ایکنا - در برخی تفاسیر، سوره قدر بر حضرت زهرا(س) تطبیق داده شده است. این تطبیق از نظر فلسفی چه معنایی دارد؟

امام صادق(ع) در تفسیر فرمودند که مراد از «لیلہ» در سوره قدر، فاطمه(س) است و «قدر»، خداوند متعال است و هر کس حضرت فاطمه(س) را شناخت شب قدر را درک کرده است. همچنین در حدیث داریم که فاطمه، فاطمه نامیده شده است چرا که مردم از درک او عاجز هستند. سپس فرموده آیه «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» تعبیر شده است به فاطمه زهرا(س) و همچنین در آیه «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» اشاره به این دارد که حضرت زهرا(س) از هزار مؤمن برتر و بافضلیت تر است و اوست که ام المؤمنین است. بعد فرمودند مراد از «تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا يَدُلُّنَ رَبَّهُمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» مؤمنینی هستند که علم آل محمد(ص) را فرا می گیرند و مراد از روح القدس همان وجود فاطمه زهرا(س) است. البته این یکی از تفاسیر این سوره است. این تحلیل، نزول ملائکه، یعنی افاضه انوار وجودی بر جان او؛ همان شب قدر خلقت است. خداوند امر خود را در وجود حضرت زهرا(س) نازل کرده است و از این رو، فاطمه(س) ظرف نزول امر الهی است؛ یعنی همان روح القدس فاطمی. از این منظر، هستی از مجرای فاطمه به قضا و قدر پیوسته است. در عرفان نظری، این همان معناسست که انسان کامل، محل تعین اسماء الهی است.

ایکنا - بسیاری از مباحث شما به ولایت علمی حضرت زهرا(س) می پردازد. آیا این ولایت، صرفاً نظری است یا در عرصه سیاست و تاریخ نیز تحقق پیدا می کند؟

حجیت به اصطلاح ما حوزوی ها در لغت به معنی چیزی است که احتجاج می شود بر چیزی، یعنی دلیل آورده می شود، حال نمی توان گفت که حجیت حضرت زهرا(س) تنها از وجه علمی برخوردار بوده است، بلکه باید گفت این جزئی از حجیت و مقام حضرت زهرا(س) است. ولایت علمی همواره به ولایت عملی می انجامد، همانطور که حضرت مریم(س) آبروی خود را گرو گذاشتند که رسالت حضرت عیسی مسیح ثابت شود- تولد معجزه آسای حضرت عیسی که در تاریخ بی نظیر است - پیداست که این حجیت در مقام عمل برای اثبات نبوت حضرت عیسی اقدام شده است. همین مسئله پیرامون مقام حضرت زهرا(س) نیز وجود دارد.

علم حضرت فاطمه(س) صرف علم قلبی نیست؛ در میدان عمل متجلی شده است. پس از رحلت پیامبر(ص)، او حجت خدا در دفاع از مسئله امامت و ولایت امیرالمؤمنین(ع) گشت. خطبه هایش، به ویژه فدکیه، در حقیقت ترجمان عقل الهی در سپهر اجتماع است.

در این خطبه، فاطمه توحید را با بیانی ایراد کرد که از سطح فلسفه های زمانه فراتر می رفت. تعبیر «ابتدع الاشیاء لا من شیء کان قبلها» یک قاعده متافیزیکی عظیم است؛ تأکید بر خلاقیت محض خداوند، بی واسطه ماده ازلی است. این بیان، بنیان فلسفه وجود در الهیات اسلامی شد. به جرأت باید گفت که در خطبه فدکیه، سخن از دفاع حقوقی نیست؛ سخن از توحید فلسفی در میدان سیاست است.

بیشتر بخوانید: حضرت زهرا(س)؛ صدای عقلانیت و ولایت در امتداد نبوت

ایکنا - در آیه مباهله نیز نام حضرت زهرا(س) آمده است. جایگاه این حضور در کلام اسلامی چیست؟

آیه مباهله می فرماید: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ». در منابع معتبر اهل سنت، از جمله «شواهد التنزیل» و «تفسیر کبیر فخر رازی»، نیز تصریح شده است که مقصود از «نساءنا»، حضرت زهرا(س) است. این یعنی او در صحنه مباهله نه به عنوان عضو خانواده پیامبر(ص)، بلکه به عنوان دلیل صدق نبوت حضور دارد؛ شاهد رسالت است. در منطق قرآن، مباهله یعنی طلب لعن بر دروغگو؛ و جز معصوم، کسی نمی تواند در چنین دعایی حضور یابد. پس حضور حضرت زهرا(س) در آن رویداد، گواه عصمت و حجیت او بر نبوت است.

ایکنا - در بعضی منابع آمده است که حضرت زهرا(س) «مفروض الطاعة» بر تمام خلق اند، حتی بر انبیا، این معنا چگونه قابل فهم است؟

بله، روایت از کتاب عوالم العلوم عبدالله بحرانی اصفهانی (جلد ۱ ص ۱۷۴) در روایتی منسوب به امام حسن عسکری(ع) است،

آمده است که «و لقد كانت فاطمة مفروضة الطاعة على جميع من خلق الله من الجنّ و الانس و الطير و الوحوش و الأنبياء و الملائكة» حضرت فاطمه(س) مفروض الطاعة بر جميع خلق اند، از ملائکه تا انبياء ؛ و مفهومش آن است که اراده الهی در نظام تکوین، بر این استوار است که اگر حضرت زهرا(س) نبود نظام عالم آفریده نمی شد و حضرت واسطه خلقت هستند. در نتیجه، همه موجودات در سلسله الوجود، به نحوی از وجود او تأثیر می پذیرند. در سطح معرفتی، یعنی حجیت علمی و اراده تشریعی خداوند در او تجلی کرده است؛ لذا هر طاعتی بدون رضای او ناقص است.

بیشتر بخوانید: وقایع فدک؛ جدالی که عدالت و مالکیت اهل بیت را روشن کرد

ایکنا - در فصلی از کتاب، مضمون خطبه فدکیه را به عنوان یک مقام مستقل در بیان فضایل حضرت زهرا(س) آورده اید، خطبه چگونه می تواند در چارچوب حجیت و ولایت حضرت زهرا (س) فهمیده شود؟ آیا برگرفته از نظام اعتقادی خاصی این مسئله استخراج شده است؟

یکی از فضایل حضرت زهرا(س) این است که ما توجه کنیم به مضامین عالی خطبه ایشان. کسی که این خطبه را مطالعه کند و شخصیت الهی این بانو، احاطه علمی و دانشی ایشان را بشناسد در می یابد که این مقام مخصوص اولیای الهی و صاحبان سر که مظهر از هر گونه زشتی و ناپاکی اند. بنابراین کسی که مشمول آیه تطهیر است از او بعید نیست که چنین خطبه ای بخواند یا این چنین معارفی.

در ابتدای خطبه حضرت به گونه ای توحید را توصیف می کنند که شما در آن زمانه و در بین اهل ایمان چنین چیزی را نمی بینید که این چنین توصیفی داشته باشد. شیوایی بیان و به کارگیری الفاظی که حضرت در بیان خود داشتند در آن دوران متداول نبود، حضرت زهرا(س) بدون اینکه نوشته ای در دست داشته باشند و یا به این کتاب و آن کتاب رجوع کنند خطبه را فرمایش کردند و این امر بی نظیری است که تنها می توان در کلام امیرالمومنین(ع) و سایر ائمه(ع) نمونه آن را جست.

ایکنا - شما در کتابتان به منابع اهل سنت برای فضایل حضرت زهرا(س) رجوع داشتید، آیا ادله مشترکی برای فضایل این بانو بین منابع شیعه و اهل سنت وجود داشت؟

بله، بسیاری از احادیث یادشده در آثار اهل سنت هم وجود دارد و آنان هم به آن معتقد هستند مانند آیه مباهله، همچنین در کتاب «میزان الاعتدال فی نقد الرجال ذهبی»، «شواهد التنزیل حاکم حسکانی» و «کتاب المعجم الکبیر احمد طبرانی»، «دخائر العقبی طبری» و «تفسیر کبیر فخر رازی» این اشتراک وجود دارد اما باید دید صرفاً نقل روایت شده و یا از آن نتیجه گیری نیز شده است یا نه. حتی روایات مرتبط با آیه تطهیر، آیه مباهله و حدیث «یرضی الله لرضاک و یغضب لغضبک» هم در آن ها آمده است. این اشتراکات، راهی است برای تحقق گفت و گوی علمی میان شیعه و اهل سنت؛ چون شناخت حضرت فاطمه(س)، شناخت حقیقت وحی است، نه صرفاً مسئله ای فرقه ای.

ایکنا - به نظر شما این مباحث می تواند ظرفیت گفت و گوی میان مذهبی بین شیعه باشد؟ آیا در مسیر پژوهش به اشتراکات روایی میان شیعه و اهل سنت برخورد کردید؟

بله. در این زمینه بحث فقهی هم داریم که حضرت در زمینه امور عامه که گفته می شود یکی از مناصب ذوی القربی و نزدیکان پیامبر اکرم(ص) اداره امور جامعه است، در بحث خمس و غنائم و همچنین زمین هایی که ساکنین آنها بدون جنگ و خونریزی ترک کرده باشند، بحث شده است که اگر بدون غرض ورزی باشد و افراد به دنبال حقیقت باشند می توانند به این گفت و گو برسند. حضرت زهرا(س) اختصاص به شیعه ندارند و در واقع حجت خدا بر همه هستند و جامعه اسلامی برای رفع مشکلاتش باید به ایشان متوسل شود هم به لحاظ معنوی و هم به لحاظ جهات دیگر.

ایکنا - حدیث «إِنَّ اللَّهَ يَعْصِبُ لِعَظْمِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكِ» از احادیث مشهور درباره حضرت فاطمه(س) است. اینکه خوشنودی و غضب الهی در گرو خوشنودی و غضب حضرت زهرا(س) است را چگونه می توان درک کرد؟

این حدیث از حیث کلامی و فلسفی، دلالت بر عصمت مطلق دارد. خداوند نمی تواند به خاطر غضب کسی غضبناک شود مگر آنکه آن غضب، عین رضای او باشد. پس خشم و خوشنودی فاطمه، مظهر اراده الهی است. از این رو، در منطق عرفانی می گوئیم فاطمه در «مقام فنا»ست؛ یعنی اراده اش متحد با رضای الهی است. عصمت، نه فقط پرهیز از گناه، بلکه عین اتحاد با اراده خداست. فاطمه(س) میزانِ رضا و سخط خدا در عالم است.

ایکنا - در پایان، اگر نکته ای در فهم معرفت فاطمی وجود دارد که به آن اشاره نکرده ایم، بفرمایید.

شناخت مقام حضرت فاطمه(س)، شناخت فلسفه دین است؛ زیرا در وجود ایشان، وحی، ولایت و علم یکپارچه می شود. اگر انسان همت کند تا مقام و حقیقت حضرت فاطمه(س) را به قدر وسع و طاقت خود بفهمد، هم راه محبت را می یابد و هم راه معرفت را. کتاب ما با نگاه عقلانی و نقلی کوشیده است تا «حجیت فاطمی» را بازخوانی کند، تا اهل فکر بدانند که فاطمه، حقیقت ناطق وحی است و بدون شناخت او، فهمی از امامت و نبوت حاصل نمی شود.